



مردم ایران در سالروز

شهادت حضرت فاطمه (س)

پیکر ۳۰۰ شهید گمنام را تشییع کردند

بدرقه فاطمی

عکس: سجاد صفوری / ایران

دومأموریت معیشتی دولت

رئیس‌جمهوری با حضوری کم‌سابقه در جلسه ستاد تنظیم بازار، مهار تورم را به عنوان مهم‌ترین دستور کار پاستور معرفی کرد

و همزمان با این رویداد محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور تصویب‌نامه هیأت وزیران برای تأمین کالاهای اساسی از طریق استان‌های مرزی را ابلاغ کرد

۳

کلان‌شهرها زیر گنبد دود

کارشناس سازمان هواشناسی در گفت‌وگو با «ایران»:

تایک هفته آینده خبری از باران نیست

- کلاس‌های همه مقاطع تحصیلی مجازی شد
- ۲ ساعت به زمان طرح زوج یا فرد اضافه شد
- کلیه مراکز گردشگری، موزه‌ها و پارک‌ها تعطیل شدند
- اصفاف حداکثر تا ساعت ۲۰:۳۰ مجاز به فعالیت هستند
- کارمندان ادارات با هماهنگی عالی‌ترین مقام می‌توانند دورکار شوند

عکس: رضا سلطان‌ایران

۱۴



هادی مرزبان رفت، اما صدای قدم‌هایش

در صحنه تئاتر شنیده می‌شود

معلمی پنهان

در کسوت کارگردان

بسیاری از کارهای مرزبان ریشه در جهان ایرانی داشت. او به ادبیات، زبان و طبقه متوسط شهری وفادار بود

۲۰

سید عباس عراقچی در ادامه برنامه‌های

دیپلماتیک خود راهی عمان و هلند شد

دیپلماسی برای

مهار زنجیره بی‌ثباتی

۴

شکاف تکنولوژیک چگونه برریزساختارهای

بازار سرمایه اثر می‌گذارد؟

تهدید ناپیدای توسعه بورس

۹

دبیر ستاد ملی جمعیت

در گفت‌وگو با «ایران» تشریح کرد

جزئیات طرح تشویقی

دولت برای فرزندآوری

۶

بررسی کارنامه کشتی آزاد و

فرنگی در آوردگاه ریاض

درستکار: نگران ناگویا نیستم

رنگز: باید در بعضی اوزان بیشتر کار کنیم

۱۲

یادداشت

کوچک‌سازی نهادهای فرهنگی

عبدالرحیم سعیدی‌راد

رئیس امور فرهنگ، ورزش و گردشگری
سازمان برنامه و بودجه

«فصل پاییز» در سازمان برنامه و بودجه کشور، «فصل بودجه» نامیده می‌شود و این روزها کارشناسان این سازمان در حال تدوین لایحه بودجه ۱۴۰۵ و تدبیر و رقم زدن سرنوشت یک سال دستگاه‌های دولتی هستند. واقعیت این است که به دلایل مختلف، دولت حجیم شده و دخل و خرج دستگاه‌ها به سختی تأمین می‌شود. رئیس‌جمهوری محترم نیز در سخنان خود بارها به حجیم بودن دولت و توجه به کوچک‌سازی آن اشاره کرده است.

البته سال‌هاست که در دولت‌های مختلف صحبت از کوچک‌سازی دولت می‌شود، اما اقدام جدی و مؤثری صورت نگرفته است.

باوجود این وقتی صحبت از نهادهای فرهنگی به میان می‌آید، همه چیز باوجود این وقتی صحبت از نهادهای فرهنگی به میان می‌آید، همه چیز پیچیده می‌شود: نه می‌توان نیرو وارد کرد، نه می‌توان از تعداد پرسنل‌ها کم کرد، نه ادغام سازمان‌ها به سادگی ممکن است. البته همین نکات برای اغلب دستگاه‌ها و نهادهای غیر فرهنگی هم صادق است. کوچک‌سازی ساختاری در امور فرهنگ تقریباً ناممکن یا پرهزینه است؛ اما به این معنا نیست که باید دست روی دست گذاشت و یا کاری نمی‌توان کرد. نکته اصلی اینجاست که نهادهای فرهنگی نه با «تورم ساختار»، بلکه با

تورم کار مواجه هستند.

انبوهی از برنامه‌های کم‌اثر، اجرای برنامه از سر تکلیف، فعالیت‌های موازی، جشنواره‌ها و همایش‌های بی‌خروجی و بعضاً گزارش‌های شکلی؛ همین‌هاست که دستگاه را بزرگ و پرهزینه کرده است، نه تعداد نیروهای آنها. بنابراین به نظر می‌رسد که کوچک‌سازی واقعی از یک مسیر دیگر می‌گذرد.

کوچک‌سازی کارکردی و نه ساختاری، یکی از راه‌هایی است که بدون کاهش تعداد پست‌های دستگاه‌ها می‌توان با چند اقدام مدیریتی، حجم کارها را گاهی تا نصف کاهش داد و بهره‌وری را چند برابر کرد.

اول، مهم‌ترین ابزار برون‌سپاری و خرید خدمت: بخش بزرگی از کارهای فرهنگی از قبیل برگزاری برنامه‌ها تا تولید محتوا و حتی مدیریت اماکن، می‌توانند از سوی مؤسسات فرهنگی و هنرمندان انجام شود و دستگاه در جایگاه درست خود یعنی «سیاست‌گذاری و نظارت» باقی بماند.

حرف آخر اینکه؛ کوچک‌سازی نهادهای فرهنگی ممکن است، اما نه از مسیر تغییر ساختار، بلکه از مسیر تغییر شیوه انجام کار. بخش فرهنگی بیش از آن‌که نیازمند ساختمان و نیرو و شورهای زائد باشد، به چابکی، همکاری و خرید خدمت نیاز دارد.

اگر این رویکرد جدی گرفته شود، می‌توان در مدت کوتاهی حداقل ۳۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت دستگاه را آزاد کرد؛ بی‌آنکه نیرویی حذف شود یا ساختاری تغییر پیدا کند. به عبارتی دیگر، کوچک‌سازی یک شعار نیست، یک انتخاب مدیریتی است. به پایان پاسخ این سؤال روشن است که بهتر است دولت «مجری برنامه‌ها» باشد یا «سیاست‌گذار» آنها؟



سید عطاالله مهجاری

دولت خودگردان که حماس نیست، اما اسرائیل برای کشتن فلسطینی‌ها هیچ مرزی نمی‌شناسد و برای توسعه‌طلبی سرزمینی و اشغال سرزمین دیگران هیچ مانعی را بر سر راه خود نمی‌داند. موقع سخنرانی‌ام، خوشبختانه جلسه گرم شده بود و نشانی از خستگی دیده نمی‌شد. سخنرانی‌ام را با یک قصه شروع کردم. قصه را از مرحوم «لرد جاناتان ساکس» رهبر دانشمند یهودیان انگلیس شنیده بودم. به مقتضای بحث، تغییراتی در قصه دادم. می‌توان گفت ایده قصه در حقیقت از مولانا جلال الدین بلخی است:

بر خیالی صلحشان و جنگشان
و ز خیالی فخرشان و ننگشان.
و اما قصه!

«فردی که اندک شباهتی به ترامپ واقعی داشت، در «مانهاتن» (نیویورک)، در خیابان «مدیسون»، به یک رستوران ایرانی رفته بود. تا توی صندلی‌اش افتاد، خودش را یاد زد. فریاد زد: «اینها خیلی گرمه، زود نپویه رو روشن کنید».

پیشخدمت اطاعت کرد. پنج دقیقه بعد فریاد زد «الان خیلی سرده، زود خاموش کنید. کردند». سه بار تکرار شد. پیشخدمت آرام و متبسم بود. عموی مددانی که مشتری رستوران بود، از پیشخدمت پرسید «راز این آرامش تو و فریاد مشتری چیست؟ هوا هم که مناسبه و ثابت؟» گفت «راستش ما توای این رستوران نپویه نداریم، این گرما و سرما در درون مشتری است.» نمونه‌های متعددی می‌توان برشمرد که جنگی علیه کشور بر اساس خیال و توهم آغاز شده است. ناپلئون در سال ۱۸۱۲ به روسیه لشکر کشید. ۶۰۰ هزار نفر سپاه او بود. مسکو را تصرف کرد، اما ناگزیر از بازگشت بود. الکساندر اول و روسیه تسلیم نشدند. نزدیک به نیم میلیون نفر از سپاه ناپلئون کشته و اسیر و مفقود شدند. لئون تولستوی در فصل آخر کتاب سوم «جنگ و صلح» نوشته است «کتاب‌های تشریفات مراقبت از اسب‌ها در ارتش ناپلئون ۳۰ جلد ضخیم بود (که چگونه اسب‌ها را آرایش کنند، چگونه اسب‌ها را قشو کنند، چه نوع شیرینی به اسب‌ها بدهند، اما پیش‌بینی نکرده بودند که وقتی از شدت گرسنگی ناگزیر می‌شوند اسب‌های نیمه جان و گرسنه را که توان راه رفتن ندارند، سر

نمونه دوم: جنگ عراق علیه ایران است. برای اولین بار در تاریخ معاصر بعد از جنگ جهانی دوم، ناتو و ورشو هم‌پیمان شدند. آمریکا و شوروی و همه اروپا از صدام حمایت کردند. گمان می‌کردند ایران تسلیم و سرزمین و ملت ایران تجزیه می‌شود. «تونی بلر» این موضوع را به صراحت در کتاب خاطراتش بیان کرده است: از «اقدام تاکتیکی» که به «اشتباه استراتژیک» تبدیل شد. نوشته است: «اما و آمریکا در سال ۱۹۸۰ به عنوان اقدام تاکتیکی صدام را در برابر ایران و مجاهدان افغانی را در برابر شوروی تجهیز کردیم، حمایت کردیم. می‌خواستیم ایران از یک سو و شوروی را از سوی دیگر متوقف و خنثی کنیم. این اقدام یک حرکت تاکتیکی بود، اما به اشتباه فاحش استراتژیک انجامید!»^(۱)

(1) Tony Blair, A Journey, London. Hutchinson, 2010, P 388

گزارش منظره دانشگاه آکسفورد: خطر منطقه‌ای؟! (۲)

کانادایی- سوئیسی از ستاره‌ها و سلبریتی‌های تبلیغات صهیونیسم است. روزنامه «معاربو» او را به عنوان یکی از ۱۰۰ صهیونیست اثرگذار جهان معرفی کرد و روزنامه «هآرتس» به عنوان یکی از ۵۰ تا. مطالبش همان حرف‌های معروف بود که ایران خطر منطقه‌ای است و اسرائیل طرفدار صلح و آرامش و امنیت است. در بخش آخر صحبتش هم مفصل به کتاب «نقد آیات شیطانی» نوشته من پرداخت و خواست در انگلستان به جرم نوشتن این کتاب تحت تعقیب قرار بگیرم. همان حرف‌هایی که «اینترنشنال در انقلاب ژنبا!» مطرح کرد. از شیرین عبادی هم خواستند مدیریت کار را در دست بگیرد. نگرفت! چهار سال گذشت. اکنون هلال نوثر داستان را زنده کرد. گفت: «رقیب من (یعنی من) به دلیل معاضدت در جنایت باستانی تحت تعقیب قرار گیر!» منظورش این بود که من از فتوای امام حمایت کرده‌ام.

در واقع منظره دو به دو شده بود. بدیهی بود که در فرصت ۱۰ تا ۱۲ دقیقه که زنگ پایان وقت به صدا درمی‌آمد، می‌بایست بحث کاملاً سنجیده و دقیق تنظیم شود. نکته با اهمیت، رأی‌گیری اعضای اتحادیه پس از منظره بوده و هست. در منظره ما با طرفداران اسرائیل، رأی طرف ما با اکثریت قاطع ۲۶۵ نسبت به ۱۱۳ پیروز شد. جوانان دانشجوی عضو اتحادیه و مسئولان اتحادیه و «افسرها» (به قول خودشان)، اکثراً از نتیجه خرسند به نظر می‌رسیدند.

یکی از شگردهای منظره این است که طرف می‌کوشد شما را به واکنش سریع و نیندیشیده بیندازد تا در موضع ضعیف دفاع از خود قرار بگیرد. من این کار را نکردم. در انتهای صحبت‌م مطالبی که درباره کتاب من در نقد آیات شیطانی مطرح شد، موضوع مستقل و بی‌ارتباط با موضوع منظره است. اگر وقت دیگری پیش‌بینی شود، استقبال می‌کنم. یک فضاسازی سیاسی- تبلیغاتی هم علیه حضور در آکسفورد- یونیون از سوی «گرگ استفورد»، یکی از نمایندگان محافظه‌کار پارلمان انگلیس مطرح شده بود. چنان که انتظار می‌رفت، اعتراض‌ا‌ورا (نشریه) «جویش کرونیکل» بازتاب و پر و بال داده بود. اینترنشنال هم به اقتضای ماهیت و مأموریتش به موضوع دامن زده بود. گرگ استفورد اعتراض کرده بود که چرا برای شرکت در بحث از من دعوت شده است؟ برنامه آکسفورد- یونیون را ضد اسرائیلی قلمداد کرده بود. واقعاً ضد اسرائیلی شد! به این معنی که طرفداران اسرائیل نتوانستند اکثریت اعضای اتحادیه آکسفورد را قانع کنند که اسرائیل خطر و تهدید منطقه‌ای نیست. چنان که در تظاهرات روزهای شنبه که در حمایت از فلسطین شاهد بودیم: جمعیت چند صد هزار نفری و گاه تا نیم میلیون و بلکه بیش از آن، از جمله با شرکت یهودیان و یازماندگان هلوگاست در لندن، اسرائیل را محکوم می‌کردند. یک جمع ۳۰۰۴ نفره هم با پرچم اسرائیل و بلندگوی قوی در گوشه‌ای فریاد می‌زدند. اگر بگویم جمعیت راهپیمایان و تظاهرات روزهای شنبه لندن ضد اسرائیلی است، سخن درستی است.

محمد اشتبه به خوبی توانست مظلومیت فلسطینی‌ها و مردم غزه را تبیین کند. به شهیدان کرانه غربی اشاره کرد. گفت کرانه غربی که دیگر غزه نیست،

هر دو گروهی که می‌بایست در منظره در برابر هم قرار بگیریم، مشخص شد: هر گروه شش نفر. گروهی که باور دارند اسرائیل خطر و تهدید منطقه‌ای است (و بالعکس، یعنی چنین باوری ندارند). در هر گروه هم دو نفر از دانشجویان آکسفورد که از اعضای اتحادیه بودند، صحبت کردند. در گروه ما قرار بود چهار نفر، به غیر از دانشجویان در منظره شرکت کنیم:

۱- **محمد اشتبه (متولد ۱۹۵۸)**، نخست وزیر سابق فلسطین. اشتبه از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴ نخست‌وزیر فلسطین بوده است. اقتصاددان و تحصیلکرده دانشگاه «ساسکس» انگلستان است. مثل همه بهبران فلسطینی سخنور و توانا بود.

۲- **نورمان فینکلشتین (متولد ۱۹۵۳)** تاریخدان و پژوهشگر ممتاز یهودی- آمریکایی است. دانشگاه پرینستون درس خوانده است. فینکلشتین امروزه یکی از پرآوازه‌ترین و رساترین صداها در جهان علیه صهیونیسم و نسل‌کشی فلسطینی‌ها از سوی اخلاقی‌ترین ارتش جهان و تنها دموکراسی خاورمیانه است! فینکلشتین یهودی است و خانواده‌اش از قربانیان هولوکاست بوده‌اند. این ویژگی به او اعتباری ویژه در طرح نظریات ضدصهیونیستی‌اش بخشیده است. کتاب‌های او در جهان جزو پرفروش‌ترین کتاب‌هاست. در تظاهرات حمایت از فلسطین در شنبه‌های لندن نیز جوانان کتاب‌های او را در چادرها یا خیمه‌ها عرضه می‌کنند. متأسفانه ایشان امکان حضور پیدا نکرد.

۳- **رانیآ خالقی (متولد ۱۹۸۶)** روزنامه‌نگار و مجری برنامه تلویزیونی لبنانی- آمریکایی است. خانواده رانیآ خالقی از طایفه دروزی‌های لبنان هستند. در آمریکا متولد شده و همان جا درس خوانده است. رانیآ خالقی در سال ۲۰۱۴ کتابی تحت عنوان «پیام» منتشر کرد. این کتاب در نقد صهیونیسم و اسرائیل است.

۴- **بنده** از جمع چهار نفره ما، نورمان فینکلشتین و رانیآ خالقی موفق به شرکت در منظره نشدند. از غیبت فینکلشتین دریغ خوردم. یکی از انگیزه‌های شرکت و حضور در منظره آشنایی نزدیک با ایشان بود. گاهی برخی متفکران تجسم انصاف و شرافتند. فینکلشتین از همین زمره است.

گروه حامیان اسرائیل: ۱- **سر مالکولم ریفتکند (متولد ۱۹۴۶)**. ایشان در دولت‌های مارگارت تاچر و جان میجر وزیر خارجه بوده‌اند. در منظره شرکت نکردند. دوستان اتحادیه به من گفتند ایشان گفته است به دلیل حمله اسرائیل به قطر دبرکرمینه و ظرفیتی برای دفاع از اسرائیل باقی نمانده است. با توجه به یهودی بودن ریفتکند، این موضع قابل توجه است.

۲- **سر دومینیک چیلکوت (متولد ۱۹۵۹)** سفیر سابق انگلستان در ترکیه و ایرلند بوده است. تازه به ایران آمده بود. به مصداق «قدم نامبارک چیلکوت، چوبه دریا نهاد بر شد دود» روابط انگلستان و ایران قطع شد و سفارت چیلکوت چند ماهی به طول نینجامید. فعلاً سوراخ دعا را در جهان معاصر خوب پیدا کرده است و گرم تجارت در منطقه است. سخنرانی‌اش هم حتماً خوشایند صهیونیست‌ها خواهد بود.

۳- **هیلال نیوئر (متولد ۱۹۷۰)** وکیل صهیونیست